

توسط شاه به تهران احضار شد و هر دو بار با عزت و اقتدار بیشتر به اصفهان بازگشت. جایی که ضرورت می‌دانست، از تکفیر و تفسیق افراد ابا نداشت. در جریان جنبش مشروطیت به سال ۱۳۲۴ق اگرچه باطناً با آزادی خواهان همراه نبود، اما عملاً موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد و مواضع مشروطه خواهی اش در حداقل ضرورت بود. در عقل و کفایت و تدبیر ضرب‌المثل مردم روزگارش بود. خوش نفس بود و مهربان و متواضع و مردم‌دار. خود را در غم و شادی مردم سهیم می‌دانست. نسبت به مسلمان و غیرمسلمان (جز بابی‌ها و بهائی‌ها)، دوست و حتی دشمن احساس مسئولیت داشت. متمول بود و در همان حال بسیار سخاوتمند. در رفع نیاز گرفتاران کوشا بود. در برابر شدائد روزگار بسیار صبور و مقاوم بود. در برابر مخالفینش بردبار بود و اهل گذشت. مردم او را پناهگاه خود می‌دانستند. در حد پرستش محبوب دل طبقات مختلف اجتماع بود. تألیفات متعددی از خود به یادگار گذاشت که «دلایل الأحکام»، «تعلیقات علی فرائد الأصول»، «مفتاح السعادة» و «اشارات ایمانیة» نمونه‌هایی از آن است. طبع شعر داشت و اشعاری در زبان فارسی از وی باقی مانده است. به سن شصت و هشت سالگی (شمسی) در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ای به نام خودش کنار امامزاده احمد به خاک سپرده شد. روز رحلتش یازدهم ماه شعبان بود.

[منابع: احوال و آثار شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی و خاندانش؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان (۱)؛

رجال اصفهان؛ گزیده‌ی دانشوران و رجال اصفهان؛ نسنامه‌ی الفت (۲)]

سیده آمنه (بنت‌الهدی) صدر [ط ۳]

[نویسنده]

۱۳۵۶ق/۱۳۱۶ش/۱۹۳۷م - ۱۴۰۰ق/۱۳۵۹ش/۱۹۸۰م

فرزند آیت‌الله سید حیدر صدر فرزند آیت‌الله العظمی سید اسماعیل صدر فرزند آیت‌الله العظمی سید صدرالدین موسوی عاملی بود. بانویی عالمه، شاعره و نویسنده بود. در کاظمین به دنیا آمد. چند ماهه بود که پدرش را از دست داد. علوم دینی و حوزوی را شامل ادبیات، فقه، اصول، حدیث، علوم قرآنی، تفسیر و تاریخ، نزد دوبرادرش آیات معظم سید اسماعیل صدر و خصوصاً سید محمدباقر صدر فرا گرفت. در عرصه‌ی اجتماع و فرهنگ حضوری فعال داشت. برای تربیت دینی بانوان و جوانان اهمیت فراوانی قائل بود. مدیری فعال،

مدرسی مسلط و سخنوری توانا بود. مدیریت عالی برخی مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان دخترانه را بر عهده داشت. مدرسه‌ی دخترانه الزهراء در کاظمین و مؤسسه‌ی دینی آموزش دختران در نجف از جمله‌ی این مؤسسات بود. در این مدارس و نیز خارج از آنها به تدریس علوم دینی اشتغال داشت. از جمله در برخی جلسات بانوان کتاب‌های «شرائع الاسلام فی الفقه» و «عقائد الشیعة الامامية» را تدریس می‌کرد. در مناسبت‌های مذهبی برای بانوان منبر می‌رفت و به تحلیل تاریخ اهل بیت (ع) و درس‌آموزی از آن می‌پرداخت. بر احیاء شعائر، مناسبت‌ها و ارزش‌های دینی اهتمام فراوان داشت. پاسخ‌گویی به مسائل شرعی بانوان و حل اختلافات خانوادگی بخشی دیگر از اشتغالاتش بود. اعتقاد داشت که گسترش ارزش‌ها و فرهنگ اهل بیت (ع) در جهان امروز مستلزم استفاده از زبانی نو است. مقاله‌نویسی در مطبوعات و نیز داستان‌نویسی را زبانی جذاب در نیمه‌ی دوم قرن بیستم میلادی می‌دانست. لذا مقالات متعددی را در مطبوعات نجف با امضاء «بنت الهدی» نوشت. کتاب‌های دینی و داستانی متعددی را نیز تألیف کرد که «بطولة المرأة المسلمة»، «الفضيلة تتصر»، «الخالة الضائعة» و «لقاء فی المستشفى» از آن جمله است. برخی کتاب‌های وی به زبان فارسی ترجمه شده است. طبع شعر قوی داشت و اشعار زیبایی را در زبان عربی سرود. همواره زینب‌وار پشت‌وپناه برادرش آیت‌الله العظمی سید محمدباقر صدر بود. سرانجام همراه برادر در بغداد به دست مأموران امنیتی صدام حسین به شهادت رسید. محل دفنش به درستی معلوم نیست. روز شهادتش بیست‌وسوم ماه جمادی‌الأول بود.

[منابع: اعلام الشیعة (۱)؛ مستدرکات اعیان الشیعة (۳)؛ معجم رجال‌الفکر و الأدب فی النجف خلال الف عام

(۲)؛ ملحقات بغیة الراغبین]

سید ابراهیم طیب [ط ۲]

[پزشک]

۱۲۶۷ق/۱۲۲۹ش/۱۸۵۱م - ۱۳۱۳ق/۱۲۷۴ش/۱۸۹۵م

فرزند علامه سید عیسی صدر فرزند آیت‌الله سید محمدعلی موسوی عاملی (برادر آیت‌الله العظمی سید صدرالدین موسوی عاملی) بود. عالمی فاضل و طبیعی حاذق بود. در تهران به دنیا آمد. پدرش را در سنین نوجوانی از دست داد. فقه و اصول را در تهران، نجف و قم